

صادق زیباکلام*

نوذر خلیل طهماسبی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۲۱

چکیده

از زمان تاسیس کشور مستقل عراق تاکنون هیچ‌گاه نقش و تاثیر کردها در شکل‌دهی به نظام سیاسی عراق همچون امروز نبوده است. کردستان عراق به دلیل شرایط ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، جغرافیای آسیب‌پذیر، عدم ثبات سیاسی و همسایگی آن با کشورهای که اکراد را در خود جای داده، به حوزه‌ای راهبردی برای کشورهای همسایه و سایر دولت‌های منتفع از رصد مسائل فوق تبدیل شده است. با توجه به مولفه‌های مزبور، کردستان عراق توجه قدرت‌های منطقه‌ای را به خود جلب کرده است. نکته مهم و قابل تامل در رابطه با اقلیم کردستان عراق، توجه به منابع و موانع استقلال و همچنین مسائل موجود بین گروه‌ها و احزاب سیاسی موجود در اقلیم کردستان عراق می‌باشد. امکان‌سنجی رسیدن اقلیم کردستان عراق به آرزوی استقلال، موانع و منابع اکراد برای رسیدن به چنین مقصودی موضوع نوشتار حاضر می‌باشد.

واژگان کلیدی: اقلیم کردستان، استقلال، گروه‌های سیاسی، قدرت‌های منطقه، دولت عراق

zibakalam@ut.ac.ir
nozartahmasebi70@gmail.com

* استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیست‌وسوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵، صص ۹۰-۶۹.

مقدمه

عراق به‌رغم اینکه در دهه ۱۹۷۰ از کشورهای در حال توسعه و پیشرو در جهان عرب بود، در دهه‌های بعدی با بحران‌ها و تحولاتی مواجه شد که این کشور را به‌سوی شکنندگی و فروماندگی هرچه بیشتر پیش برد. سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه و تمامیت‌خواهانه رژیم بعث در عرصه داخلی و سیاست تهاجمی این رژیم در عرصه منطقه‌ای این کشور را به سمت ضعف و بحران‌هایی جدی کشاند و توان و انسجام درونی آن را به‌شدت تحلیل داد. در چنین شرایطی بود که عراق تحت تأثیر بیش از دو دهه جنگ و تحریم اقتصادی و سیاسی بین‌المللی به هدفی نسبتاً آسان برای سیاست‌های جنگ‌طلبانه نومحافظه‌کاران آمریکایی تبدیل شد و در سال ۲۰۰۳ بدون مقاومت چندانی تحت اشغال آمریکا درآمد.

به‌رغم برخی امیدواری‌ها برای تبدیل‌شدن تدریجی عراق به کشوری باثبات و قدرتمند در دوره پس از صدام، این کشور در طول سال‌های پس از ۲۰۰۳ نیز با گستره وسیعی از چالش‌ها و بحران‌ها روبه‌رو شد. ایجاد نظامی مبتنی بر مشارکت همه گروه‌های قومی و مذهبی ساکن عراق چشم‌اندازی بود که امید می‌رفت در عراق بعد از سقوط رژیم بعث در ۲۰۰۳ تحقق پیدا کند، به‌گونه‌ای که ماده اول قانون اساسی جدید عراق بر پذیرش فدرالیسم (البته صرفاً در رابطه با اقلیم کردستان عراق) در این کشور صحنه می‌گذارد و رژیم حکمرانی عراق را «جمهوری پارلمانی دموکراتیک» مقرر می‌کند. (لازریف، ۱۳۸۱: ۸۹) اما بعد از سقوط رژیم بعث در سال ۲۰۰۳، سیستم جدیدی از حکمرانی سیاسی در عراق شکل گرفت که مبتنی بر تقسیم عراق به دو منطقه سیاسی مجزای کرد و عرب بوده است. گرچه سقوط رژیم بعث نویدبخش پایان جنگ و خون‌ریزی در عراق بود و امید می‌رفت که این کشور نمونه‌ای از دموکراسی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان جمعیت‌های هویتی مختلف شود، اما با گذشت زمان نه‌تنها این آمال تحقق پیدا نکرد، بلکه دور جدیدی از منازعات بر عراق سایه انداخته است. روند اختلافات و تنش‌ها میان جناح‌های مختلف سیاسی، از جمله حکومت اقلیم کردستان و حکومت عراق به‌ویژه بعد از خروج نیروهای نظامی آمریکا از این کشور در ۲۰۱۱ چنان گسترش یافته است که حتی می‌توان وقوع دور جدیدی از جنگ داخلی و اختلافات سیاسی را در عراق محتمل دانست. در حقیقت، عراق در طول دهه‌های

گذشته با بحران‌ها و چالش‌های مختلفی روبه‌رو بوده است و این بحران‌ها آن را به کشوری تبدیل کرده است که در روابط بین‌الملل از آن به‌عنوان دولت‌های شکننده یاد می‌شود.

حضور همه‌جانبه آمریکا در عراق، مداخله منفی و مخرب برخی کشورهای منطقه در جهت ایجاد بی‌ثباتی در عراق، پیدایش گروه‌های شورشی مسلح و تروریستی، مشکلات سیاسی و بوروکراتیک ناشی از نظام پارلمانی توافقی و مبتنی بر سهمیه‌بندی قومی و مذهبی، گرایش‌های واگرایانه اکراد در قبال دولت مرکزی و نوستالژی بخشی از سنی‌های عراق برای بازگشت به دوره بعث، از مهم‌ترین عواملی بودند که به بحران‌های متعددی در این کشور منجر شدند. (نامی، ۱۳۹۰: ۱۳۲) درحالی‌که با خروج نظامی آمریکا از عراق و تشکیل دولت مشارکت ملی با همکاری تمامی گروه‌های عراقی این امیدواری وجود داشت که عراق به‌تدریج به سمت ثبات داخلی و بازیابی نقش منطقه‌ای اصیل خود برود، تحولات جدیدی مانند بحران سوریه و پیدایش داعش و سپس برخی از مشکلات و اعتراض‌های مردمی بار دیگر باعث بحرانی شدن بیشتر عراق و ابهامات بیشتر در خصوص آینده این کشور شده است.

تبدیل شدن عراق به دولتی شکننده و یا به اعتقاد برخی دولتی ورشکسته که بخش‌هایی از سرزمین آن تحت اشغال گروهی تروریستی است و حکومت مرکزی قادر به تأمین امنیت و کالاهای سیاسی و اقتصادی مورد نیاز شهروندان نیست، باعث مطرح شدن سناریوهای مختلفی در خصوص آینده آن شده است. در این راستا سه سناریوی مطرح در خصوص آینده عراق عبارتند از: عراق یک‌پارچه و متمرکز، عراق فدرال یا کنفدرال و عراق تجزیه شده. درحالی‌که شکل‌گیری عراق یک‌پارچه یا عراق فدرال با حساسیت‌ها و پیامدهای کمتری در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی همراه خواهد بود، نگرانی‌های جدی درباره تجزیه عراق، استقلال اقلیم کردستان عراق و تبعات آن در سطوح مختلف وجود دارد. لذا توجه و تحقیق در مورد اقلیم کردستان عراق، منابع و موانع استقلال آن و همچنین بررسی اختلافات گروه‌های سیاسی در اقلیم کردستان حایز اهمیت است که مد نظر نوشتار حاضر می‌باشد.

اقلیم کردستان عراق؛ منابع و موانع استقلال

اقلیم کردستان عراق منطقه‌ای کوهستانی در شمال و شمال شرقی عراق است که شامل استان‌های دهوک، اربیل و سلیمانیه می‌شود. این اقلیم در سال ۱۹۷۰، در پی توافقی میان دولت

وقت عراق و مسئولان کردستان عراق تشکیل شده و بنابر قانون اساسی عراق، نام این منطقه به زبان عربی اقلیم کردستان عراق است. اقلیم کردستان عراق در سال ۱۹۹۱ و در زمان حمله ائتلاف بین‌المللی به عراق (به دلیل حمله صدام به کویت) از موقعیت متزلزل صدام استفاده کرد و با حل اختلافات گروهی در بین خود، حکومت خود را تاسیس کرد. (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۷۸)

پس از آنکه آمریکایی‌ها بار دیگر به عراق حمله کردند و صدام را سرنگون کردند، کردها حکومت سرزمین کردستان را تشکیل دادند. کردها در سال ۲۰۰۵ به وحدتی تقریباً همه‌گیر رسیدند و مسعود بارزانی توسط پارلمان اقلیم کردستان عراق به ریاست این اقلیم برگزیده شد. در سال ۲۰۰۹ مدت چهارساله‌اش پایان یافت، اما این بار توسط مردم این اقلیم و با آرای عمومی تا تابستان ۲۰۱۳ ریاست اقلیم کردستان عراق را کسب کرد. نمایندگان پارلمان اقلیم کردستان در نشست پارلمان کردستان در تاریخ ۹ تیر ۱۳۹۲ (۳۰ ژوئن ۲۰۱۳) با تصویب ماده قانونی شماره ۱۹ سال ۲۰۱۳ توافق کردند که انتخابات ریاست منطقه و همه‌پرسی قانون اساسی برای دو سال به تعویق بیافتد و در این دو سال، ریاست مسعود بارزانی بر کردستان عراق ادامه یابد. در آن زمان تأکید کردند تمدید ریاست منطقه کردستان به دو سال محدود شود و قابل تمدید دوباره هم نباشد.

این دو سال نیز در ۲۸ مرداد سال گذشته به پایان رسید. در همان روزها و در بین درگیری‌های سیاسی بین احزاب کرد برای انتخاب رییس اقلیم کردستان عراق بود که انجمن شورای قضایی اقلیم کردستان که وابسته به وزارت دادگستری دولت اقلیم است، اعلام کرد که در پی تصمیم این انجمن دوره ریاست مسعود بارزانی بر اقلیم کردستان، با حفظ اختیارات کنونی تا انتخاب رییس بعدی اقلیم، تمدید می‌شود (انجمن شورای قضایی اقلیم که تحت نظر حوزه قدرت اجرایی وزیر دادگستری اقلیم و با حضور ۱۵ الی ۹ عضو تشکیل شده است و به‌عنوان نهادی مشورتی و نظارتی در این وزارت‌خانه فعالیت می‌کند). اما هنگامی که انجمن شورای عالی قضایی این ادعا را مطرح کرد، از پنج حزب مهم کردستان عراق (اتحادیه میهنی، جنبش تغییر، اتحاد اسلامی، جماعت اسلامی و حزب دموکرات)، به‌جز حزب دموکرات که شخص مسعود بارزانی ریاست آن را بر عهده دارد، سایر احزاب این حکم را قبول نکردند. آنان معتقد بودند که انجمن شورای قضایی اقلیم نهادی مشورتی است و ابقا کردن

بارزانی در حیطه اختیارات آن نیست. (Barkey, 2005: 77)

اما مشکلات این اقلیم تنها سیاسی نیست، اقلیم کردستان عراق دارای بحران‌های سیاسی، امنیتی، اجتماعی و به‌خصوص اقتصادی بسیاری است. خطر داعش اقلیم را تهدید می‌کند، بحران اقتصادی بر تمام ارکان اقلیم سایه انداخته است، اختلافات با دولت مرکزی در یک سال گذشته به‌شدت افزایش یافته است، مشکلات آوارگان جنگ با داعش هنوز حل نشده است، اختلافات حزبی شدید می‌باشد و بسیاری از بحران‌های دیگر این اقلیم را در وضعیت بغرنجی قرار داده است. (مقصودی، ۱۳۸۲: ۲۱۱) به طور کلی اقلیم کردستان عراق برای رسیدن به استقلال با منابع و موانع مختلفی در دو سطح داخلی و خارجی روبه‌رو است.

منابع حرکت اقلیم به سمت استقلال

اقلیم کردستان عراق برای حرکت به سمت استقلال دارای منابع و امکاناتی است که آنها را به دو دسته منابع داخلی و خارجی تقسیم کرده و به تشریح آنها پرداخته می‌شود.

یک. منابع داخلی حرکت اقلیم به سمت استقلال

۱-۱. قدرت نظامی و امنیتی

وجود نیروهای مسلح برای تشکیل و ایجاد امنیت یک کشور یا منطقه خودمختار لازم و ضروری است. نیروهای نظامی احزاب اتحاد میهنی و دموکرات، نیروی نظامی اقلیم کردستان را تحت عنوان پیشمرگ‌ها تشکیل می‌دهند. گرچه این نیروها از تجهیزات سنگین و پیشرفته برخوردار نیستند، اما دارای سلاح‌های نیمه‌سنگین (مانند نفریر، تانک و سلاح‌های دوش پرتاب) هستند که با توجه به روحیه جنگجویی آنها می‌توانند در برابر تهدیدات نظامی موفق شوند. (شیخ عطار، ۱۳۸۲: ۸۶) بنابراین نیروهای نظامی اقلیم یکی از منابع حرکت به سمت استقلال و مولفه‌های قدرت در کردستان عراق هستند.

۲-۱. جمعیت با انگیزه

وجود جمعیت کافی متناسب با مساحت، برای تشکیل یک کشور ضروری است. در کردستان

عراق نیز به دلیل وجود زمین‌های مناسب و حاصلخیز، زمینه مهاجرت کردهای عراق به این منطقه فراهم بوده است. در حال حاضر جمعیت اقلیم کردستان عراق جهت ایجاد یک کشور مستقل، جمعیت مناسبی است. مردم اقلیم کردستان دارای هویت مشترک و انگیزه ملی‌گرایی بسیار قوی هستند که زمینه مناسبی برای ایجاد یک منطقه مستقل خواهد بود. (اخوان کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۲)

۳-۱. قدرت اقتصادی

منطقه کردستان عراق دارای منابع نفت، گاز، آهن، مس و طلای غنی است. در عراق بیش از ۱۱۵ میلیارد بشکه نفت وجود دارد که سهم اقلیم کردستان عراق از این منابع نفتی کم نیست و دارای منابع نفتی به نسبت خوبی هستند. از سوی دیگر، بیشترین محصول گاز طبیعی عراق در حوزه الانفال در منطقه اقلیم کردستان قرار دارد (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۶: ۲۴) که این ذخایر، قدرت اقتصادی خوبی را برای اقلیم به وجود آورده است.

۴-۱. قدرت رسانه‌ای

یکی از دلایل کم‌توجهی به مسئله کردها در گذشته را می‌توان نداشتن رسانه‌های داخلی و بین‌المللی دانست. در سال‌های اخیر این موضوع برطرف و در سطح اقلیم کردستان روزنامه‌ها و مجلات زیادی وجود دارد که اخبار مربوط به کردستان عراق را اطلاع‌رسانی می‌کنند. با در نظر گرفتن مجموع رسانه‌ها از قبیل رادیو، تلویزیون و مطبوعات، می‌توان پیش‌بینی کرد که اکنون در اقلیم کردستان بیش از هزار رسانه تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی وجود دارد که غالباً بازگو کننده مطالبات و خواست اصلی اقلیم یعنی استقلال می‌باشند.

دو. منابع خارجی حرکت اقلیم به سمت استقلال

۱-۲. رژیم صهیونیستی (به عنوان اصلی ترین حامی خارجی)

اقلیم کردستان عراق برای استقلال نیاز به حمایت‌های خارجی دارد تا بتواند توجه سازمان‌ها و قدرت‌های بین‌المللی را به دست آورده و به سمت استقلال پیش برود. در حال حاضر موثرترین

اصلی‌ترین حامی خارجی استقلال اقلیم را می‌توان رژیم صهیونیستی دانست. اسرائیل تنها رژیم یهودی جهان می‌باشد و این مسئله نوعی انزوای هویتی را برای آن ایجاد کرده است. (فرنگی، ۱۳۸۴: ۱۱) به همین سبب این رژیم برای خروج از انزوای منطقه‌ای خود و ائتلاف با دولت‌های پیرامون غیرعرب در منطقه خاورمیانه، جهت اعمال فشار بر اعراب در پی ایجاد نفوذ بر اکراد شمال عراق است. تمایل اسرائیل به برقراری مناسبات با اکراد شمال عراق و حمایت گسترده مالی و تسلیحاتی از آنها مبتنی بر آموزه اتحاد پیرامونی بن گوریون، نخستین رئیس‌جمهور اسرائیل است. (افراسیایی، ۱۳۸۳: ۱۹) آموزه اتحاد پیرامونی از زمان تشکیل دولت یهود در ۱۹۴۸ تاکنون راهنمای این رژیم در برقراری روابط با گروه‌های قومی منطقه همچون مارونی‌ها و دروزی‌ها در لبنان، کردهای عراق، مسیحیان سیاه‌پوست جنوب سودان و کشورهای غیرعربی مانند ایران، ترکیه و اتیوپی بوده است. هدف این آموزه درهم شکستن محاصره و انزوای منطقه‌ای اسرائیل، از طریق برقراری رابطه با کشورهای غیرعرب واقع در خاورمیانه است. (خسروی، ۱۳۸۷: ۶۷)

حمایت اسرائیل از کردهای شمال عراق زمانی صورت جدی به‌خود گرفت که موساد در دهه ۱۹۵۰ بخش بزرگی از یهودیان کرد را طی عملیاتی تحت عنوان «عزرا و نهیمه» به اسرائیل مهاجرت داد. مهاجرت‌های مشابه دیگری نیز طی سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ توسط موساد سازمان‌دهی شد. هاویو شیمون، رئیس سابق سازمان ملی یهودیان کرد مستقر در اسرائیل، در سال ۱۹۷۳ شمار یهودیان کرد مهاجر در اسرائیل را ۹۰ هزار نفر اعلام کرد. اسحاق مردخای، وزیر دفاع اسرائیل در دوران نخست‌وزیری بنیامین نتانیاهو (۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹) از جمله کردهای یهودی‌تبار مهاجرت کرده از عراق بود.

حمایت اسرائیل از کردها به صورت رسمی در ۱۹۸۰ توسط مناخیم بگین علنی شد. وی فاش کرد بین سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۵ اسرائیل به کردهای عراق پول و اسلحه داده و آنها را تحت آموزش نظامی خود قرار داده است. در این سال‌ها اسرائیل با همکاری شاه ایران، سرویس اطلاعاتی کردها به نام پرستین را تاسیس و از آن پس واحدهای جاسوسی اسرائیل در مناطق کردنشین عراق به فعالیت پرداختند. (روحی، ۱۳۸۵: ۸) در سال ۱۹۷۲ جک اندرسون، روزنامه‌نگار آمریکایی، فاش کرد که اسرائیل هر ماه ۵۰۰۰۰ دلار به شخص بارزانی می‌دهد و کردهای عراق را به

سلاح‌های ساخت شوروی که از مصر و سوریه به غنیمت گرفتند، مسلح کرد تا مقامات عراقی را به این تصور رهنمون کند که شوروی به کردها سلاح می‌دهد. هدف اسرائیل از کمک به کردهای عراق در این سال‌ها جلوگیری از پیوستن واحدهایی از ارتش عراق به ارتش سوریه و مصر برای جنگ با اسرائیل بود.

در هم‌گرایی کنونی بین کردهای عراق و اسرائیل، باید به مؤتلفه قدرت فنی اقتصادی - سیاسی اشاره کرد؛ زیرا اسرائیل زمینه‌های حضور خود را در کردستان عراق به‌ویژه در شهر کرکوک با زیرساخت‌های فنی منطقه آغاز کرده و این حضور را به‌تدریج به حوزه‌های اقتصادی و سیاسی در کردستان عراق گسترش داده است. از طرف دیگر، کردها هم به‌خوبی می‌دانند بدون داشتن اقتصادی قوی و متحدی قدرتمند، تشکیل یک دولت مستقل کردی نخست در عراق و سپس در منطقه امکان‌پذیر نخواهد بود. (یعقوب زاده، ۱۳۸۷: ۲۰)

یکی از دلایل مهم نزدیکی کردها به اسرائیل و لابی یهودی در آمریکا، جلب نظر آمریکا در حمایت قطعی از استقلال طلبی کردهاست. آمریکا در چند دهه گذشته هیچ‌گاه به صورت جدی از تشکیل یک دولت کردی در منطقه خاورمیانه حمایت نکرده و دلیل این امر هم نگرانی از تهدید منافع حیاتی آن کشور در منطقه به‌واسطه تشکیل یک دولت مستقل کردی می‌باشد.

بی‌شک تلاش‌های روزافزون کردهای شمال عراق برای اثرگذاری بر کشورهای همسایه منطقه کردنشین عراق، منافع فراوانی برای اسرائیل در پی خواهد داشت. اگر کردهای عراق به‌ویژه کرکوک قادر به صورت‌بندی همبستگی‌های خود باشند، تردیدی برای حمایت قاطع تل‌آویو از استقلال کردهای منطقه باقی نمی‌ماند، به‌ویژه آنکه اسرائیل بارها حمایت خود از تشکیل کشور مستقل کرد در شمال عراق به مرکزیت کرکوک و آمادگی تحویل موشک‌های استینگر به این کشور فرضی را ابراز داشته است. (Alkadiri, 2010: 37) همچنین، دالان فضایی به‌وجود آمده از سوی اسرائیل به سمت استان‌های کرکوک، اربیل، سلیمانیه و موصل به منظور ایجاد دیوار دفاعی راهبردی به دور بخش‌های شمالی عراق، پایگاه اطمینان بخشی است که دولت تل‌آویو را در دسترسی به وزنه موازنه‌گر دیگری در ترتیبات نوین خاورمیانه و آسیای مرکزی یاری می‌دهد.

ایجاد هم‌گرایی بین اسرائیل و کردستان عراق، هم اهرم فشاری است در دست اسرائیل علیه

کشورهای ایران، ترکیه و سوریه و هم عاملی است در جهت تقویت قدرت مانور کردها، به‌ویژه کردهای کردستان عراق در برابر این سه کشور. (شیخ عطار، ۱۳۸۲: ۳۱۰) در طی سال‌های اخیر، سرویس‌های اطلاعاتی و نظامی اسرائیل بدون دغدغه به آموزش کردها در کردستان عراق به‌منظور انجام اقدامات جاسوسی و شورش در ایران، سوریه و ترکیه و مقابله با نفوذ شیعیان و شورشیان سنی پرداخته‌اند. گزارش روزنامه *یدیوت آحارنوٹ* در اول سپتامبر ۲۰۰۵ در مورد آموزش نیروهای امنیتی کرد از سوی اسرائیلی‌ها، حضور اسرائیل در شمار عراق را به یقین مبدل ساخت. همچنین اسرائیل با تشکیل حکومت مستقل کرد در پی آن است تا زنجیره میان شیعیان که از پاکستان تا

لبنان کشیده شده است را قطع کند. (Bellamy, 2006: 194)

روزنامه قطری عرب آنلاین در مقاله‌ای تحت عنوان «کرکوک، بیت‌المقدس دیگر» نوشته رئوف التیجانی به بررسی نقش رژیم صهیونیستی در شهر کرکوک می‌پردازد. وی می‌گوید: «رژیم صهیونیستی به‌دلیل ذخایر با ارزش نفت در کرکوک و همچنین به‌دلیل نزدیکی این منطقه از خاک عراق به سه کشور اسلامی ایران، ترکیه و سوریه، تلاش دارد تا آن را به بیت‌المقدس دیگر تبدیل نماید.» (Aziz, 2011: 3) التیجانی اذعان می‌دارد که به گفته منابع عراقی، اسرائیلی‌ها زمین‌ها را در شهر کرکوک پنج برابر قیمت واقعی خریداری می‌کنند. این حرکت اسرائیلی‌ها در کرکوک، یادآور آغاز ساخت شهرک‌های صهیونیست‌نشین در فلسطین اشغالی در دهه چهارم سده گذشته میلادی است؛ زمانی که آنها خرید زمین‌ها را در فلسطین اشغالی به‌ویژه در اطراف شهر اشغالی بیت‌المقدس آغاز کردند.

علاوه بر عامل ژئواستراتژیک ذکر شده، عامل دیگری نیز که ریشه در ایدئولوژی صهیونیسم و تاریخ یهود دارد و باعث توجه اسرائیل به کردهای عراق شده، عبارت است از تمایل اسرائیل به نزدیکی به ملت‌های بدون دولت. به‌باور یهودیان ملت‌هایی نظیر کردها و ارامنه که قرن‌ها فاقد دولت بوده‌اند، از نظر تاریخی وجوه مشترک زیادی با یهودیان دارند و می‌توانند متحدان مناسبی برای آنها باشند. یکی از دلایل و شاید مهم‌ترین دلیل توجه اسرائیل به شهر کرکوک، جنبه معنوی و تاریخی این شهر است که به جنبه تاریخی و باستانی شهر بیت‌المقدس نزدیک است، به همین علت شاید کرکوک برای اسرائیل در حکم بیت‌المقدس دوم باشد. (ناجی، ۱۳۸۳: ۱۱) در این

خصوص باید گفت شاید وجود مقام سه پیامبر در کرکوک یکی از عوامل جلب توجه اسرائیل به این شهر باشد.

وجود ذخایر نفتی عظیم در مناطق کردنشین به‌ویژه در شهر کرکوک عامل مهم دیگر در جذب اسرائیل به سمت این مناطق به شمار می‌رود. نوسازی تاسیسات نفتی شهر کرکوک به هشت میلیارد دلار نیاز دارد تا تولید نفت میدان‌های آن به پنج میلیون بشکه در روز برسد. با توجه به اینکه زمینه‌های بهره‌برداری نفتی در عراق به لطف اشغال این کشور ایجاد شده است، این هشت میلیارد دلار ممکن است به ۱۶ تا ۲۴ میلیارد دلار افزایش یابد، به همین سبب یهودیان از هم‌اکنون تلاش می‌کنند تا می‌توانند زمین‌های بیشتری در کرکوک خریداری کنند تا آن را به لاس‌وگاس خاورمیانه تبدیل کنند. (Olery, 2005: 57)

منافع کردهای عراق در نزدیکی به اسرائیل به طور کلی عبارتند از:

- کسب استقلال سیاسی؛
 - جلب حمایت آمریکا؛
 - مقابله با ایران، سوریه و ترکیه؛
 - افزایش قدرت اقتصادی و فنی.
- منافع اسرائیل از نفوذ به قسمت‌های غنی کردنشین عراق به‌ویژه کرکوک به‌طور کلی و فهرست‌وار عبارتند از:

- بهره‌برداری از منابع نفتی مناطق کردنشین به‌ویژه کرکوک؛
- راه‌اندازی مجدد خط لوله نفتی کرکوک - حیفاه؛
- دستیابی به زمین‌های مرغوب و حاصل‌خیز در این مناطق؛
- دستیابی به منابع غنی آب در منطقه؛
- دسترسی و کنترل جامعه بزرگ کرد در ایران؛
- سازمان‌دهی گروه‌های ترور در این مناطق؛
- پوشش عملیات ترور در ایران، سوریه و ترکیه توسط گروه‌های سازمان‌یافته در این مناطق؛
- یافتن متحدانی ساختارشکن در منطقه حساس خاورمیانه.

اسرائیلی‌ها و کردها غالباً دشمنان مشترکی دارند و این دلیل خوبی است برای ایجاد اتحاد میان آنها. برای اسرائیل، کردها یک سپر و ضربه‌گیر عمده در برابر حملات اعراب و جهان اسلام خواهند بود و برای کردها، ایجاد یک اتحاد قوی با اسرائیل علاوه بر اینکه نیازهای نظامی آنها را تامین می‌کند، یک راه عمده برای نزدیکی آنها به واشنگتن به حساب می‌آید.

به‌طور کلی و خلاصه جهت بررسی دلایل نزدیکی اقلیم کردستان عراق و رژیم صهیونیستی می‌بایست به موارد زیر اشاره نمود:

الف) رژیم صهیونیستی می‌تواند ضمن تاثیرگذاری بر آمریکا در خصوص استقلال اقلیم، زمینه سرمایه‌گذاری اقتصادی، کشاورزی و خدماتی را فراهم و افزون بر تقویت توان نظامی و دفاعی، ساختار اقتصادی اقلیم را بهبود بخشد. بنابراین، یکی از دلایل مهم نزدیکی کردها به اسرائیل و لابی یهودی در آمریکا، جلب نظر آمریکا در حمایت قطعی از استقلال طلبی کردهاست. آمریکا در چند دهه گذشته هیچ‌گاه به‌صورت جدی از تشکیل یک دولت کردی در منطقه خاورمیانه حمایت نکرده و دلیل این امر هم نگرانی از تهدید منافع حیاتی آن کشور در منطقه به‌واسطه تشکیل یک دولت مستقل کردی می‌باشد.

ب) ایجاد هم‌گرایی بین اسرائیل و کردستان عراق، هم اهرم فشاری است در دست اسرائیل علیه کشورهای ایران، ترکیه و سوریه و هم عاملی است در جهت تقویت قدرت مانور کردها، به‌ویژه کردهای کردستان عراق در برابر این سه کشور. (یوسفی، ۱۳۸۴: ۶۸)

ج) عامل دیگری نیز که ریشه در ایدئولوژی صهیونیسم و تاریخ یهود دارد، عبارت است از تمایل اسرائیل به نزدیکی به ملت‌های بدون دولت. به باور یهودیان ملت‌هایی نظیر کردها و ارمنه که قرن‌ها فاقد دولت بوده‌اند، از نظر تاریخی وجوه مشترک زیادی با یهودیان دارند و می‌توانند متحدان مناسبی برای آنها باشند. یکی از دلایل و شاید مهم‌ترین دلیل توجه اسرائیل به شهر کرکوک، جنبه معنوی و تاریخی این شهر است که به جنبه تاریخی و باستانی شهر بیت‌المقدس نزدیک است، به همین علت شاید کرکوک برای اسرائیل در حکم بیت‌المقدس دوم باشد. در این خصوص باید گفت شاید وجود مقام سه پیامبر در کرکوک یکی از عوامل جلب توجه اسرائیل به این شهر باشد.

د) وجود ذخایر نفتی عظیم در مناطق کردنشین به‌ویژه در شهر کرکوک عامل مهم دیگری در جذب اسرائیل به سمت این مناطق به شمار می‌رود.

۲-۲. عربستان سعودی

عربستان سعودی را نیز می‌توان از جمله مهم‌ترین حامیان استقلال اقلیم کردستان تلقی نمود. عربستان سعودی پس از سقوط صدام حسین همواره پیاده ساختن طرح تجزیه عراق به سه اقلیم سنی، شیعی و کردی را مدنظر داشته است.

بی‌ثباتی در عراق سبب خواهد شد تا این کشور به جایگاه مناسبی برای گروه‌های تروریستی و مورد حمایت عربستان سعودی تبدیل شود و عربستان از طریق این گروه‌ها بتواند منویات و اهداف خود را در منطقه پیاده‌سازی نماید. از سوی دیگر، مهم‌ترین نگرانی عربستان درباره عراق، افزایش نفوذ کشورهای رقیب عربستان به‌ویژه ایران در این کشور (عراق) است. عربستان به‌صراحت از تغییر توازن قوا در منطقه نگران است و عراق متمایل به ایران را همانند عنصری نفوذی در جهت منافع ایران در جهان عرب می‌داند. نگرانی عربستان سعودی راجع به نفوذ ایران به دلایل نفوذ و تاثیرگذاری روزافزون ایران در عراق، تشکیل هلال شیعی در منطقه و نفوذ ایران بر شیعیان منطقه می‌باشد. (عبدالله‌پور، ۱۳۹۰: ۲۹) بنابراین عربستان سعودی هم‌گام با رژیم صهیونیستی، به‌دنبال برهم زدن تمامیت ارضی عراق و خواهان تجزیه عراق به سه اقلیم سنی، شیعی و کردی هستند. عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی به‌دنبال آنند تا با پیش بردن طرح تقسیم و تجزیه عراق، ضمن پیشی گرفتن از رقبای خود در منطقه (به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران)، اهداف و آمال خود را در منطقه به راحتی پیاده سازند.

موانع حرکت اقلیم به سمت استقلال

اقلیم کردستان عراق با توجه به موقعیت داخلی و وضعیتی که در حال حاضر در منطقه وجود دارد، دارای موانعی در داخل و خارج از اقلیم برای حرکت به سمت استقلال است.

یک. موانع داخلی حرکت اقلیم به سمت استقلال

۱-۱. موقعیت محدود جغرافیایی

اقلیم کردستان بین کشورهای ایران، ترکیه و سوریه محصور شده و از راه دریایی نیز با جایی ارتباط ندارد. موقعیت محدود کردستان عراق همواره آن را به همسایگان خود از جمله ایران و ترکیه نیازمند کرده و این موضوع اقلیم را در تنگنای ژئوپلیتیکی قرار داده و یکی از موانع اصلی حرکت اقلیم به سمت استقلال محسوب می‌شود. (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۲۰۷)

۲-۱. دولت عراق

یکی از مخالفان استقلال اقلیم کردستان، دولت مرکزی عراق است. با توجه به تحولات شکل گرفته، دولت مرکزی عراق به دلیل مخالفت استقلال اقلیم با قانون اساسی و ایجاد زمینه جدایی دیگر اقلیت‌ها، تضعیف عراق و وجود منابع نفت و گاز غنی در منطقه اقلیم، هیچ‌گاه حاضر به استقلال این منطقه نخواهد شد.

۳-۱. قانون اساسی کشور عراق

قانون اساسی عراق، آن را کشوری مستقل و دارای حاکمیت واحد دانسته است. ماده نخست قانون اساسی عراق که در ۵ سپتامبر ۲۰۰۵ تصویب و به تایید ۷۸ درصد از رای‌دهندگان رسید، جمهوری عراق را کشوری مستقل دانسته که نظام حکومتی آن جمهوری مجلس محور دموکراتیک و فدرال است. همچنین در ماده ۱۱۴، منطقه کردستان عراق را منطقه‌ای فدرال به رسمیت شناخته، اما بر یک‌پارچگی عراق تاکید نموده است. (Khaled, 2004: 86)

۴-۱. مخالفت شیعیان و سنی‌ها با استقلال اقلیم

سنی‌ها به دلیل نداشتن منابع مناسب نفتی در مناطق خود و شیعیان نیز به دلیل اینکه در حاضر دارای جایگاه نسبتاً مناسبی در ساختار سیاسی عراق هستند و در صورت استقلال اقلیم، حضور رژیم صهیونیستی در این منطقه بیشتر خواهد شد، خواستار استقلال آن نیستند.

۵-۱. شرایط اقتصادی اقلیم

اقتصاد اقلیم کردستان عراق به شدت وابسته به نفت و سرمایه‌گذاری‌های خارجی وابسته به حوزه انرژی است. طی چند سالی که بهای نفت تا اوج ۱۲۰ دلاری پیش می‌رفت، اقلیم از دلارهای نفتی، امنیت نسبی مناطق ذی‌صلاح خود و نیز وضعیت مناسب روابط خارجی‌اش از ایران و ترکیه تا آمریکا و رژیم صهیونیستی نفع می‌برد. با این حال دوره اوج اقتصاد اقلیم با کاهش شدید قیمت نفت و نیز افزایش ناامنی‌ها در منطقه به واسطه نبرد گروه‌های تروریست افراطی چون داعش با پیشمرگه‌ها و کردها، به زودی سرآمد.

بر اساس قانون اساسی عراق، ۱۷ درصد از درآمدهای نفتی کشور به اقلیم کردستان تعلق می‌گرفت. با این همه و پس از فروش خودسرانه نفت توسط حکومت اقلیم، دولت مرکزی نیز از پرداخت سهم ویژه اقلیم سرباز زده است. با این همه، فروش نفت توسط حکومت بارزانی، با مشکلات زیادی مواجه است. مهم‌ترین آنها وجود گزینه‌های محدود برای فروش نفت است. هم‌اکنون تنها خریدار جدی نفت اقلیم، دولت ترکیه است که از این وضعیت خود به‌منظور نفوذ سیاسی بر کردستان عراق استفاده می‌کند و در عین حال در پرداخت وجوه خرید نفت خود نیز - که به مراتب ارزان‌تر از بازارهای جهانی است - تعلل می‌ورزد.

اقلیم کردستان ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار بشکه در روز نفت می‌فروشد. عراق سه میلیون و هفتصد هزار بشکه در روز و سومین کشور دارای نفت در جهان است. با این همه وابستگی به نفت و میزان بالای فساد مالی رهبران اقلیم، منجر به نارضایتی‌های گسترده در سرتاسر اقلیم شده و مردم را نسبت به رهبری بارزانی مردد ساخته و آنان را به حمایت از احزاب مخالف تشویق کرده است. (Gordon, 2003: 199)

این مسئله وابستگی اقتصادی حکومت اقلیم به ترکیه، پرستیژ و اعتبار دولت بارزانی را زیر سوال برده است.

۶-۱. عدم اجماع و اختلافات گروه‌های سیاسی در اقلیم کردستان

عامل بسیار مهمی که می‌تواند تاثیر بسیار زیادی بر استقلال اقلیم داشته باشد و شایسته است تا به صورت کامل مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد، مسئله اختلاف میان گروه‌ها، احزاب و جناح‌های

سیاسی در اقلیم کردستان عراق است. کردهای عراق هرچند در اعلام استقلال اتفاق نظر دارند، اما در مورد نحوه اعلام استقلال با هم اختلاف نظر دارند. از بین پنج حزب اصلی موجود در اقلیم کردستان عراق؛ یعنی اتحادیه میهنی، جنبش تغییر، اتحاد اسلامی، جماعت اسلامی و حزب دموکرات، حزب دموکرات به رهبری مسعود بارزانی معتقد به برگزاری هرچه سریع‌تر همه‌پرسی برای استقلال است. مسعود بارزانی و حزیش زمان حاضر را بهترین زمان برای برگزاری همه‌پرسی جهت استقلال می‌دانند. اما احزابی مانند جنبش تغییر و اتحادیه میهنی این زمان را مناسب برای اعلام استقلال نمی‌دانند. حزب دموکرات، با جنبش تغییر و اتحادیه میهنی در مورد نحوه تعامل با دولت عراق و مسائلی مانند درآمد نفتی اقلیم، ریاست بارزانی بر اقلیم، عملکرد اقتصادی بارزانی و مسائل زیاد دیگری با هم اختلاف دارند.

حزب دموکرات که در ۱۵ سال گذشته همیشه بیشترین سهم را در حکمرانی اقلیم کردستان در اختیار داشته است، خواهان ادامه این سیستم حکمرانی (ریاستی - پارلمانی) می‌باشد؛ به گونه‌ای که رییس اقلیم با رأی مستقیم مردم انتخاب شود و اختیاراتش همچنان به مانند سابق باقی باشد. اما در سوی دیگر، چهار حزب دیگر معتقدند که این سیستم باعث پدید آمدن یک دیکتاتوری می‌شود و با روح دموکراسی در تناقض است. جنبش تغییر، اتحاد میهنی و جماعت اسلامی و با شدت کمتری اتحاد اسلامی، خواهان سیستم پارلمانی هستند، به این ترتیب که پارلمان مرجع حکمرانی در اقلیم کردستان باشد. (مومنی، ۱۳۸۴: ۲۲۵)

جنبش تغییر که هم‌اینک به یکی از قدرتهای مهم و تاثیرگذار در اقلیم تبدیل شده است، به اتحاد میهنی نزدیک شده و همین باعث شده تا این دو حزب با اتحاد بیشتری در مقابل حزب دموکرات قرار بگیرند. جنبش تغییر که به هیچ عنوان موافق تمدید ریاست بارزانی نیست، معتقد است که باید پارلمان مرجع حکمرانی باشد.

اتحاد میهنی هم که اکنون سه حزب اپوزیسیون سابق را در کنار خود می‌بیند، به دنبال کم کردن قدرت حزب دموکرات است به گونه‌ای که خود را برای انتخابات آینده آماده کند.

در این میان، حزب اتحاد اسلامی که برخلاف احزاب دیگر هم در منطقه زرد (حزب دموکرات) و هم در منطقه سبز (اتحاد میهنی) به یک اندازه از پایگاه مردمی برخوردار است، دنبال حفظ

تعادل در بین احزاب است؛ به گونه‌ای که از آغاز گفت‌وگوها چند پروژه را آماده کرده که شاید طرفین به توافق برسند و در واقع موضعی بینابین را اتخاذ کرده است.



احزاب و گروه‌های سیاسی موجود در اقلیم (اتحادیه میهنی (منطقه سبز)، حزب دموکرات (منطقه زرد)، جنبش تغییر، اتحاد اسلامی و جماعت اسلامی)

اختلافات در بین گروه‌های سیاسی در اقلیم کردستان عراق به حدی زیاد است که پیشنهادهایی از طرف برخی سیاسیون مبنی بر تجزیه اقلیم کردستان عراق داده می‌شود. این پیشنهادات تنها از سوی یک جریان خاص مطرح نمی‌شود و سیاسیون جناح‌های مختلف این پیشنهاد را مطرح می‌کنند. طرفداران تقسیم می‌گویند باید اقلیم به دو اقلیم به مرکزیت اربیل و سلیمانیه تقسیم شود. طرفداران این ایده عموماً کسانی هستند که می‌خواهند اقلیم سلیمانیه مستقل از اقلیم اربیل باشد و تحت نفوذ اتحاد میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی قرار بگیرد. (عزتی، ۱۳۸۰: ۱۴۹)

احزاب رقیب حزب دموکراتیک کردستان به رهبری مسعود بارزانی می‌گویند دیگر حاضر به قبول رهبری مسعود بارزانی نیستند و می‌خواهند یا او از قدرت کنار برود یا اقلیم جدایی به دور از سلطه او در کردستان تشکیل شود. این احزاب ادامه حضور مسعود بارزانی در قدرت را مغایر با قانون اساسی اقلیم کردستان می‌دانند و می‌گویند به واسطه او حزب دموکراتیک کردستان اراده خود را بی‌چون و چرا بر سراسر اقلیم گسترش داده است. دو حزب اتحاد میهنی و حزب دموکراتیک در طول تاریخ اقلیم کردستان همواره در رقابت با یکدیگر بوده‌اند. حتی این دو در دهه

نود و در زمان جنگ‌های داخلی کردها مدتی با یکدیگر به صورت مسلحانه می‌جنگیدند.

سیاستمداران در اقلیم کردستان از این نگران هستند که نزاع بر سر قدرت بر موقعیت کردها در مواجهه با داعش تاثیر بگذارد. پیشمرگ‌های کرد تاکنون توانسته‌اند تلاش‌هایی جهت مبارزه با داعش انجام دهند و تا حدودی توجه جامعه جهانی را به خود جلب نمایند اما اگر نتوانند جایگاه مبارزه با داعش را حفظ کنند ممکن است متحمل خسارت‌های سنگینی شوند. (Chapman, 2011: 61)

بنابراین، کردستان عراق در شرایط فعلی با چندین چالش بسیار مهم روبه‌رو است که بر مشکلات و اختلافات میان جناح‌ها و گروه‌های سیاسی در اقلیم تاثیر بسیار زیادی دارد. اولین چالش این است که دوره ریاست آقای مسعود بارزانی در اقلیم کردستان عراق، به‌دنبال تمدید یک دوره دوساله خاتمه یافته و به‌دنبال آن درباره جانشینی وی یا استمرار ریاستش در اقلیم کردستان، میان جناح‌های مختلف اختلاف نظر وجود دارد. از طرفی، حزب اصلی و پیروز انتخابات، حزب دموکرات کردستان عراق است که از استمرار ریاست آقای بارزانی دفاع می‌کند و از طرف دیگر، برخی از گروه‌های اسلامی، اتحادیه میهنی و جنبش گوران یا جنبش تغییر مخالف استمرار ریاست ایشان، اصرار دارند که قانون اساسی به رأی گذاشته و اصلاح شود و یا اینکه از طریق مصوبه پارلمان، نظام از ریاستی تبدیل به نظام پارلمانی شود تا از این طریق بتوان در مورد ادامه استمرار ریاست آقای بارزانی تصمیم گرفت.

از مشکلات دیگری که اقلیم کردستان عراق با آن دست به گریبان است، مسئله چالش و جنگ با داعش است، به‌طوری‌که در طول چندصد کیلومتر، میان نیروهای مسلح کُرد (یعنی پیشمرگان کُرد اقلیم کردستان عراق) و داعش جنگ و درگیری وجود دارد و منطقه وسیعی از شنگال گرفته تا استان کرکوک که منطقه‌ای در حدود چندصد کیلومتر است، و جنگ سنگینی در آنجا جریان دارد را دربر می‌گیرد. اعمال تروریستی گاهی به داخل اقلیم کردستان عراق هم کشیده می‌شود و این جنگ طبیعتاً هزینه‌های سنگینی دارد. (Khaled and Boleamy, 2005: 117)

سومین و مهم‌ترین چالش جدی در اقلیم کردستان عراق که بر اختلافات درون عراق تاثیر بسیار زیادی دارد، مشکل اقتصادی است. همان‌طور که می‌دانیم بین دولت عراق و بغداد بر سر فروش نفت اختلاف نظر وجود دارد، اقلیم مدعی است که بغداد سهم ۱۷ درصدی از بودجه کل کشور عراق را که قاعدتاً طبق قطعنامه سازمان ملل باید به اقلیم کردستان عراق اختصاص می‌داد،

نپرداخته است و بر این اساس یک دوره از نفت استخراج شده را مستقل از دولت مستقل عراق می‌فروشد. در این میان چالش‌هایی رخ داد و توافقی‌هایی میان دولت عراق و دولت اقلیم کردستان صورت گرفت که بر مبنای آن اقلیم، نفت را براساس میزانی که دولت عراق مشخص کرده است بفروشد و بودجه آن را دریافت کند. البته راجع به این مسئله که صادرات نفت و دریافت پول آن تحت نظارت شرکت ملی نفت عراق باشد یا خیر بحث وجود دارد. مسئله فروش نفت ابعاد و پیچیدگی‌های زیادی دارد که موجب شده اقلیم کردستان عراق از نظر مسائل مالی تحت فشار بالایی باشد، به‌نحوی که بسیاری از طرح‌ها و پروژه‌های اقتصادی و عمرانی که در دست داشتند عموماً تعطیل شدند و سرمایه‌گذاران خارجی هم اقلیم کردستان عراق را کم‌کم ترک کرده‌اند و همین مسائل بر گسترش اختلافات گروه‌های سیاسی در اقلیم کردستان می‌افزاید.

دو. موانع خارجی حرکت اقلیم به سمت استقلال

۱-۲. آمریکا

از بین کشورهای فرامنطقه‌ای، مهم‌ترین کشوری که در استقلال اقلیم می‌تواند تاثیرگذاری زیادی داشته باشد، آمریکاست که در فدرالی شدن اقلیم کردستان نقش زیادی ایفا کرد. آنچه در حال حاضر برای آمریکا اهمیت راهبردی بیشتری دارد، حفظ یک‌پارچگی و تمامیت ارضی عراق است. آمریکا به‌عنوان کشوری که مدعی برقراری دموکراسی در عراق می‌باشد، خواهان تجزیه این کشور و ایجاد ذهنیت منفی در جامعه بین‌الملل بعد از حمله به عراق نیست و در صورت تجزیه عراق، نفوذ خود را در این کشور از دست خواهد داد و وجهه‌ای منفی از خود به‌جا خواهد گذاشت. (Beschomer, 2012: 189) در مجموع، منافع آمریکا در عراق بیشتر از منافع آن در اقلیم خواهد بود و در حال حاضر خواهان تجزیه عراق نیست؛ زیرا شاید باور آمریکایی‌ها این است که در حال حاضر عدم تجزیه عراق بهتر می‌تواند منافع و خواسته‌های آمریکا را در منطقه تامین نماید.

۲-۲. کشورهای منطقه و همسایه

کشورهایی مانند ایران، سوریه و با شدت کمتری ترکیه، با توجه به داشتن مرزهای زیاد با

اقلیم کردستان عراق و با توجه به وجود گروه‌های کرد در این سه کشور، طبیعی است که نسبت به مسئله استقلال کردها واکنش منفی نشان دهند. در حقیقت مواردی مانند حمایت اسرائیل از استقلال اقلیم کردستان، امکان تحریک گروه‌های کرد در این کشورها و نفوذ و حضور رژیم صهیونیستی و پایگاه‌های آن در منطقه و به‌ویژه اقلیم کردستان، موجب مخالفت کشورهای همسایه و هم‌مرز (به‌ویژه ایران و سوریه) با طرح استقلال می‌باشد. (حق پناه، ۱۳۸۷: ۲۸۱)

نتیجه‌گیری

با توجه به منابع و موانع استقلال اقلیم کردستان عراق، گرچه مسعود بارزانی نشان داده که از هر موقعیتی جهت رسیدن اقلیم کردستان به خودمختاری و استقلال استفاده خواهد کرد، اما بسیاری این‌گونه اعتقاد دارند که مباحثی مانند جنگ با داعش، سقوط قیمت نفت در بازارهای جهانی، حساسیت‌های همسایگانی مانند ایران و سوریه، اختلافات داخلی و فقدان اجماع بین گروه‌های سیاسی در اقلیم، شرایط را بسیار آشفته کرده و زمان کنونی برای استقلال اقلیم زود است. شرایط و اوضاع داخلی اقلیم کردستان عراق پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی است. به هر حال مردم از وضعیت موجود ناراضی هستند و اقلیم کردستان عراق دارای بحران‌های سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اقتصادی بسیاری است، بنا به گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل، هم‌اکنون این اقلیم با ۴۱ بحران مختلف دست‌به‌گریبان است. عدم حل بحران‌ها وضعیت موجود را به‌دنبال داشته است.

شاید آن روز که مسعود بارزانی رویای تجزیه عراق و استقلال اقلیم کردستان از عراق را در سر می‌پروراند، فکر آن را هم نمی‌کرد که مدتی بعد باید به فکر راهی برای جلوگیری از تجزیه اقلیم کردستان و رسیدن به راه حل با سایر احزاب سیاسی برای ماندن در قدرت باشد. بارزانی که روزی به پشتوانه دلارهای نفتی و حمایت‌های آمریکا و حاکمان عرب منطقه بر طبل استقلال می‌کوبید، امروز برای حل مشکلات اقتصادی خود دست به دامن بغداد و دولت مرکزی عراق شده است. در نتیجه، گرچه بسیاری از کارشناسان کردی این‌گونه اعتقاد دارند که استقلال کردستان منافع و امتیازات بسیار زیادی را به همراه دارد، ولی کردها برای دستیابی به آرزوی استقلال نیازمند اجماع در میان گروه‌های سیاسی و درگیر در قدرت، ثبات و انسجام در اوضاع اقتصادی، کسب

حمایت‌های بین‌المللی، جلب نظر همسایگانی مانند ترکیه، سوریه و ایران هستند، در حالی که اقلیم کردستان فاقد چنین زمینه‌ها و پیش‌شرط‌ها می‌باشد و جهت نیل به استقلال مسیر دشواری را پیش رو خواهد داشت.

منابع و یادداشت‌ها:

۱. اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۹۰)، «کردستان عراق؛ هارتلند ژئوپلیتیکی اسرائیل»، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۰.
۲. افراسیابی، کاوه (۱۳۸۳)، «تلاش رژیم صهیونیستی برای نفوذ در کردستان عراق»، انتشارات نگاه، شماره ۴۴.
۳. حق پناه، جعفر (۱۳۸۷)، کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: موسسه تحقیقات بین‌المللی معاصر.
۴. خسروی، علیرضا (۱۳۸۷)، «فزیش حضور اسرائیل در عراق: استراتژی گسترش و نفوذ»، فصلنامه راهبرد، سال ۱۶، شماره ۴۸.
۵. روحی، نبی‌الله (۱۳۸۵)، «سیاست خاورمیانه‌ای رژیم صهیونیستی و کردستان عراق»، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۵۷.
۶. سعد، ناجی (۱۳۸۲)، «کردهای عراق و بحران هویت»، ترجمه هدایت خلیلی، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، سال ۲، شماره ۱۰.
۷. شیخ الاسلامی، جعفر (۱۳۸۶)، «کردها و کردستان»، ترجمه کمال خالق پناه، فصلنامه زیربار، شماره ۶۳.
۸. شیخ عطار، علیرضا (۱۳۸۲)، سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ در کردستان عراق، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۹. شیخ عطار، علیرضا (۱۳۸۲)، کردها و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، جلد اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.
۱۰. عبدالله‌پور، محمدرضا (۱۳۹۰)، «تعارض ژئوپلیتیکی کردستان عراق با میدان‌های منطقه‌ای»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۴.
۱۱. عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰)، ژئوپلیتیک در قرن ۲۱، تهران: انتشارات سمت.
۱۲. فرنگی، آیدین (۱۳۸۴/۹/۱۵)، «آینده کرکوک»، روزنامه شرق.
۱۳. لازریف، م. سی (۱۳۸۱)، کردستان و علل ایجاد آن، ترجمه بهزاد خوشحالی، سنجندج: نشر میدیا.
۱۴. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹)، ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
۱۵. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.
۱۶. مقصودی، مجتبی (۱۳۸۲)، کردستان عراق و چشم‌انداز آینده و مسائل ایران و عراق، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر.
۱۷. مومنی، میرقاسم (۱۳۸۴)، مردم‌شناسی کردهای ترکیه، تهران: موسسه ابرار معاصر.
۱۸. نامی، محمدحسن (۱۳۹۰)، جغرافیای کشور عراق؛ با تأکید بر مسائل ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۹. یعقوب‌زاده، جلیل (۱۳۸۷)، «اسرائیل و کردهای شمال عراق»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۱۵، شماره ۴.

21. Alkadiri, Road(2010), "Oil and the Question of Federalism in Iraq", *International Affairl*.
22. Aziz, Mahir, A.(2011), *The Kurds of Iraq: Ethnonationalism and National Identity in Iraqi Kurdistan*, London: L. B. Tauris.
23. Barkey, Henri J. and Laipson, Ellen (Winter 2005), "Iraqi Kurds and Iraq's Future", *Middle East Policy*, Vol. Xii, No. 4.
24. Bellamy, Foster(2006), "The New Geopolitics of Empire," *Monthly Review*, Ganuary.
25. Beschomer(2012), "Water and Instability in the Middle East," *Adelphi Papers*.
26. Gordon, Philip(2003 Spring), "Bush,s Middle East Vision," *Survival*, Vol. 45, No. 1.
27. Khaled Salih(May2004), *What Future for the Kurds*, University of Southern Denmark.
28. Khaled, Salih and Bolearny(2005), *The Future of Kurdistan in Iraq*.
29. Chapman, Dennis P.(2011), *Security Forces of The KurdistanRegional Government*, California, Mazda.
30. Olery, Brendon (etal)(2005), *The Future of Kurdistan in Iraq*, Philadelphia, University of Pennsylvania.